

A Comparative Study of National and International Laws on the Elimination of Domestic Violence against Women ¹

Zahereh Sadat Mirjafari ^{*} Jawad Habibitabar ^{}**

Ahmad Reza Tohidi ^{*} Mohsen Fattahi ^{****}**

(Received: 27/10/2020; Accepted: 26/12/2020)

Abstract

Domestic violence against women is one of the social harms threatening the family institution, and programs to combat it are seriously on the agenda of human rights organizations. Despite the fundamental and attitudinal differences between the Islamic-Iranian legal system and international instruments, strengthening the position of women in the home and society and enforcing women's legal rights in all areas, and paying special attention to their constructive role are important concerns for both. In this article, we review domestic laws related to the elimination of violence against women, in particular the Women's Security Bill and the Charter of Women's Rights and Responsibilities in the Islamic Republic, and compare them with international instruments such as the Conference on the Elimination of Discrimination against Women and International Covenants. After analyzing their strengths and weaknesses, solutions such as optimal culture-building, criminalization of domestic violence in Iranian laws and international instruments, and appropriate family disciplinary sanctions are proposed with the aim of strengthening the family, promoting arbitration in Iran, and mediation in the international arena.

Keywords: Domestic Violence, National Laws, International Laws, Violence against Women.

1. This article is taken from: Zahereh Sadat Mirjafari, "A Comparative Study of Strategies for Eliminating Domestic Violence Against Women in the Iranian Legal System and International Documents", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Jawad Habibitabar, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Women Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, z.s.mirjafari@whc.ir.

** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Judicial Law, Al-Mustafa University, Qom, Iran (Corresponding Author), prof.javadhabibitabaryahoo.com.

*** Assistant Professor, Department of International Public Law, University of Qom, Qom, Iran, ar.tohidi@qom.ac.ir.

**** Assistant Professor, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.fattahi@urd.ac.ir.

مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین‌المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان^۱

زاهره سادات میرجعفری* جواد حبیبی تبار**

احمدرضا توحیدی*** محسن فتاحی****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶]

چکیده

خشونت خانگی علیه زنان یکی از آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده است که برنامه‌های مقابله با آن به‌جد در دستور کار نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است. با وجود تفاوت‌های مبنایی و نگرشی بین نظام حقوقی اسلامی ایرانی با اسناد بین‌المللی تقویت جایگاه زن در خانه و اجتماع و استیفای حقوق قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده‌شان از دغدغه‌های مهم هر دوی آنها به شمار می‌رود. در این مقاله قوانین داخلی مرتبط با رفع خشونت علیه زنان، به‌خصوص لایحه تأمین امنیت زنان و منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی را بررسی می‌کنیم و با قوانین اسناد بین‌المللی از جمله کنفرانس رفع تبعیض علیه زنان و میثاق‌های بین‌المللی مقایسه خواهیم کرد. پس از تحلیل ضعف‌ها و قوت‌های آنها راهکارهایی از جمله فرهنگ‌سازی بهینه، جرم‌انگاری خشونت خانگی در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی همراه با در نظر گرفتن مجازات‌های تأدیبی مناسب خانواده و در راستای تحکیم خانواده، ترویج حکمیت در ایران و میانجی‌گری در عرصه بین‌المللی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خشونت خانگی، قوانین ملی، قوانین بین‌المللی، خشونت علیه زنان.

۱. برگرفته از: زاهره سادات میرجعفری، مطالعه تطبیقی راهکارهای رفع خشونت خانگی علیه زنان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی، رساله دکتری، استاد راهنما: جواد حبیبی تبار، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران z.s.mirjafari@whc.ir

** دانشیار گروه فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی (ص)، قم، ایران (نویسنده مسئول) prof.javadhabibitabar@yahoo.com

*** استادیار گروه حقوق عمومی بین‌المللی، دانشگاه قم، قم، ایران Ar.Tohidi@qom.ac.ir

**** استادیار دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.fattahi@urd.ac.ir

مقدمه

خشونت علیه زنان مقوله‌ای اجتماعی است که ماهیت، مصادیق و حتی علل و زمینه‌های پیدایش متعدد و متفاوتی در جوامع مختلف داشته و دارد. امروزه در جهان، قانون‌گذاران در پی ایجاد ساختاری قانونی در جهت مبارزه حداکثری با انواع خشونت علیه زنان هستند و در این زمینه مقررات بین‌المللی گوناگونی وضع شده است. اما وقتی این خشونت در سطح نهاد خانواده صورت می‌گیرد، بسیار جدی‌تر و بحرانی‌تر است؛ چراکه زوایای خشونت در خانواده در اکثر جوامع از دید عموم پنهان است. خصوصی بودن حریم خانواده به همراه قداستش از یک سو، و پذیرش خشونت و باورهای زنان و مردان راجع به مفهوم «خانواده» و «خشونت»، باعث سخت‌تر شدن مقابله با آن شده است. در مقام مقایسه مقررات داخلی ایران و اسناد بین‌المللی متوجه می‌شویم راهکارهای مهمی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان مطرح شده، اما با توجه به اختلاف فرهنگ‌ها و مذاهب، تفاوت‌های ماهوی و مصداقی میان خشونت خانگی در ایران و کشورهای غربی وجود دارد و به تبع آن قطعاً راهکارهای مبارزه هم یکسان نخواهد بود. همان‌طور که راهکارهای اسناد بین‌المللی به‌تنهایی برای همه جوامع اثربخش نبوده است، می‌توان اسناد کارای بین‌المللی مقابله با خشونت خانگی را طبق فرهنگ و مذهب ایرانی اسلامی بومی‌سازی، و در قوانین حقوقی ایران تزریق کرد.

در این تحقیق کوشیده‌ایم توجه مسئولان و تصمیم‌گیران در مقابله با خشونت خانگی را برانگیزیم و آگاهی‌شان را ارتقا دهیم و با توجه به منابع غنی اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر راهکارهای لازم را مطرح کنیم.

تبیین مسئله

خشونت علیه زنان مقوله‌ای اجتماعی فرهنگی است که در ضعف اخلاقی و قانونی و علل اقتصادی، روان‌شناختی، تربیتی و حتی فقدان سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی و قضایی صحیح ریشه دارد. این خشونت معنا، مصداق، ابعاد و انواع گوناگون و

پیچیده‌ای دارد که به تناسب باورها، اعتقادات و اوضاع و احوال هر جامعه‌ای، متفاوت بوده و طبعاً برای مقابله با آن نیاز به برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی و ملاحظات قانونی مطابق با همان جامعه است. چنین خشونت‌های زمانی که در محیط اجتماع رخ دهد، فرهنگ‌سازی اجتماعی را می‌طلبد که از طریق هماهنگی سیستم‌های نظارتی و دولتی تا حدی مهارپذیر خواهد بود. اما زمانی که در محیط خانواده رخ می‌دهد، به دلیل حرمت و قداست و خصوصی بودن فضای خانواده با پیچیدگی‌های خاصی روبه‌رو هستیم. از سویی پنهان‌بودن این خشونت از دیگران باعث بازتولید و ادامه این عمل خواهد شد، از سوی دیگر دخالت و نظارت شدید و مستقیم سیستم‌های قضایی موجب شکسته‌شدن حریم خصوصی خواهد شد. به علاوه، اهمیت جلوگیری از ظلم و خشونت علیه زنان در درون خانواده بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا خشونت خانگی علیه زنان سال‌ها است که به دلیل تربیت غلط و باورهای اشتباه مردان و حتی پذیرش خود زنان، بر زنان تحمیل می‌شود و با وجود تأکیدات دینی در آیات و روایات و سیره بزرگان و اولیا، باز هم شاهد انواع خشونت‌های جسمی، کلامی، روانی، عاطفی و حتی اقتصادی و ... در درون خانه هستیم تا جایی که سید علی خامنه‌ای مهم‌ترین دفاع از حقوق زن را جلوگیری از ظلم به زن در درون خانه می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

در سال‌های اخیر مقابله با خشونت علیه زنان در دستور کار سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری و اسناد بین‌المللی قرار گرفته، و مقرراتی به همت این سازمان‌ها برای دولت‌های عضو وضع شده است. اما به دلیل فقدان نظارت صحیح و ضمانت اجرای قوی و الزام‌آور نبودن برخی از این قوانین، در عمل شاهد رشد روزافزون خشونت علیه زنان در این جوامع هستیم. از سوی دیگر، باید توجه داشت که چون مبانی نگرشی و روح حاکم بر این اسناد، مبتنی بر مبانی انسان‌محورانه، فردگرایی، لذت‌گرایی و آزادی فردی است، در نهایت تضمین‌کننده سعادت بشری نخواهد بود و با مبانی اسلامی مبتنی بر خانواده‌گرایی، ایثار و از خودگذشتگی و جمع‌گرایی در تضاد است. از این رو

پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود که: آیا با مقایسه راهکارهای اسناد بین‌المللی و حقوق ایران در زمینه رفع خشونت علیه زنان می‌توان به راهکاری عملیاتی مبتنی بر فرهنگ اسلامی دست یافت یا خیر؟

در این تحقیق کوشیده‌ایم ضمن مقایسه تطبیقی راهکارهای رفع خشونت خانگی علیه زنان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، به راهکارهای پیشگیرانه، فرهنگ‌سازی و اتخاذ تدابیر حمایتی و حفاظتی به عنوان راهکارهای مشترک بین‌المللی توجه کنیم. اما وضع قوانین جزایی، مدنی و حمایتی خاص در خصوص خشونت خانگی، تکمیل و اصلاح قوانین موجود، مطالبه‌ای است که باید با توجه به ضوابط و مقررات اسلامی بدان پرداخت.

پیشینه تحقیق

در ایران با عناوین و ریزموضوع‌های مختلف حول محور خشونت علیه زنان تحقیقاتی به صورت پراکنده انجام شده است؛ بخشی از این آثار، ترجمه متون انگلیسی است که عمدتاً دیدگاه‌هایی فمینیستی دارند (نک: مرتوس و همکاران، ۱۳۸۲؛ مکوئیگ، ۱۳۹۴). بخش دیگری از آثار با نگرش اسلامی به خشونت علیه زنان ایرانی می‌پردازند؛ مانند کتاب *خشونت خانگی علیه زنان* (سالاری‌فر، ۱۳۸۹) که پس از بررسی آثار مربوط به خشونت ضد زنان، این موضوع را با نگرش اسلامی تعریف و تبیین می‌کند و علل و درمان آن را با توجه به منابع اسلامی می‌کاود. در کتاب *آموزشی مقابله با خشونت خانگی علیه زنان* (سالاری‌فر و تبیک، ۱۳۸۹) نیز نویسنده به تفاوت‌های فیزیولوژیکی، روحی و حقوقی زن و مرد پرداخته و پیشنهادهایی را برای اصلاح نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای مقابله با خشونت مطرح کرده است. در کتاب *نفی خشونت علیه زنان* نیز (نورمحمدی، ۱۳۸۹) نویسنده از دیدگاه روایات به تفصیل مقوله خشونت جنسی علیه زنان، و نشوز زن و مرد را بررسی کرده و شرایط و دیدگاه‌های مختلف فقیهان در این خصوص را کاویده است. پژوهش‌های منتشرشده درباره خشونت خانگی در ایران کمتر راهکارهایی مطابق با

فرهنگ بومی مطرح کرده‌اند، ضمن اینکه درباره مقایسه تطبیقی دو نظام حقوقی، و استخراج راهکارهای مفید اسناد حقوقی بین‌الملل در خشونت ضد زنان تحقیق علمی صورت پذیرفته است. پژوهش حاضر ضمن آشکارکردن تفاوت‌ها، نواقص و ضعف‌های دو نظام حقوقی، قوت‌های آنها را نیز در جهت مطرح کردن راهکارهای مفید و کاربردی در مواجهه با خشونت خانگی نمایان می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی: تعریف «خشونت» در ایران و اسناد بین‌الملل

واژه «خشونت» در فرهنگ ایرانی به معانی گوناگون آمده است: درشتی کردن، درشت‌خویی، تندخویی، زبری (عمید، ۱۳۸۹: ۲۱، ذیل واژه «خشونت»؛ زمختی، ناهمواری، بی‌رحمی، درشتی، ضد لینت و نرمی (معین، ۱۳۸۹: ۴۵، ذیل واژه «خشونت»). فرهنگ دهخدا/ خشونت را به معنای درشتی و زبری و ضد نرمی دانسته است. سخت‌رویی، خشم و غضب، تندی و درشتی کردن نیز از معانی خشونت است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۵/۶، ذیل واژه «خشونت»). فرهنگ مشیری، خشونت را به عصبانیت و تندخویی هم معنا کرده است (مشیری، ۱۳۸۸: ۷۲، ذیل واژه «خشونت»). برای «خشونت» تعریف مشخص و یکسانی در جوامع مختلف با وجود فرهنگ‌ها و سوابق دینی دیده نمی‌شود و همین ابهام در تعریف باعث بازتولید خشونت در جوامع مختلف شده است. برای تعریف دقیق «خشونت» در متن اسلام با تعریف «خشونت» در اسناد بین‌المللی باید مبانی آنها را بررسی کرد. اساساً ماهیت و مصادیق «خشونت» با توجه به مبنا و ایدئولوژی حاکم بر اسناد بین‌الملل بسیار متفاوت با ماهیت و مصادیق «خشونت» در نظام حقوقی ایران است.

الف. ماهیت خشونت در نظام حقوقی ایران

برای بررسی ماهیت خشونت در ایران، ابتدا باید مفهوم اصطلاحی، عرفی و حتی شرعی «خشونت» از هم تمیز داده شود. از این رو باید برخی خشونت‌های ناشی از رابطه حق و

تکلیف که مجاز شناخته شده، از برخی خشونت‌های ناشی از عرف زیستی و آداب و رسوم و بعضاً خرافات جدا شود. اگر بخواهیم خشونت را از منظر نظام حقوقی برگرفته از نظام اسلامی بررسی کنیم باید ابتدا در متن مد نظر مفهوم‌شناسی کنیم و سپس با معیارهای شرعی بسنجیم. چند تعبیر برای خشونت تاکنون بیان شده، از جمله «آزار و اذیت»، «توهین و هتک حرمت»، «ظلم» و «هر کاری که صورت خشن دارد». حرمت سه مفهوم اول در اسلام مشخص است و آیات و روایات متعددی در مذمت آنها وارد شده است. اما مقصود از «خشونت» در مفهوم چهارم جای تأمل دارد؛ زیرا هر آنچه صورتی خشن دارد الزاماً خشونت نیست و بسیاری از احکام تأدیبی و تعزیری اسلام جنبه تربیتی و بازدارندگی دارد و همانند عمل جراحی برای بهبود و پیشرفت ضروری به نظر می‌رسد.

در واقع، نگاه اسلام به مقوله خشونت، نگاهی محدودکننده با استفاده از اقتدار برای دافعه در حد اضطرار به منظور جلوگیری از ناهنجاری و تعدی‌های بیشتر بوده است (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۲۴). به علاوه، باید توجه داشت که بسیاری از احکام اسلام در روابط زوجین بر مبنای حق و تکلیف‌اند. در نگاه اسلامی، زوجین با اختیار همسر زمینه تحقق حقوق جدیدی را فراهم می‌آورند که با انجام‌دادن تکالیف ملازم با آنها به فعلیت می‌رسند و حقوق هر یک متناسب با تکالیف خودش است. به عبارت دیگر، برقراری عدالت اجتماعی در اسلام به معنای «اعطاء کل ذی حق حقه» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۷۱/۱) و برخوردارشدن از حقوق متناسب با وظایف و مسئولیت‌هایی است که بر عهده دارد. از این رو افراد یک خانواده از حقوق مشابه برخوردار نیستند، بلکه از حقوق متساوی با توجه به جایگاه، اعتبار، طبیعت و فطرتی که مبتنی بر آن خلق شده‌اند برخوردارند و متناسب با آن نقش‌ها و تکالیف مختلف از آنان انتظار می‌رود و حتی در صورت تخطی از این وظایف مجازات‌هایشان هم یکسان نخواهد بود (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۲۴). در سایه همین نگرش در اسلام استحکام و پویایی خانواده در گرو وجود کانونی مقتدر همراه با

حفظ کرامت انسانی دانسته شده که باید در کنار دیگر ویژگی‌های تربیتی اسلامی و پرورش اخلاق کریمانه، از جمله احساس حضور در محضر الهی و تقبیح ستم به بی‌پناهان، از هر گونه خشونت و تعدی در این زمینه جلوگیری شود. در این فرهنگ کانون خانواده محلی برای پرورش ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر دیگرگرایی، همبستگی و از خودگذشتگی، قناعت و صبر و تواضع و چشم‌پوشی و تغافل و تا حد امکان نرم‌خویی است، گرچه استفاده از روش‌های دافعه‌آمیز برای جلوگیری از خطرهای احتمالی و نهی از منکر هم‌گریزناپذیر است.

ب. ماهیت خشونت در اسناد بین‌المللی

ماهیت خشونت در اسناد بین‌المللی از لحاظ نگرش‌های فمینیستی برابری‌طلبانه حاکم بر آنها متفاوت بوده، و این نگرش قطعاً بر تعریف «خشونت» و مصادیقش تأثیرگذار بوده است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۷: ۲). باید توجه داشت که اصول حاکم بر فرهنگ مدرن از جمله نسبی‌گرایی، حقوق‌محوری و آزادی‌های لیبرالی، فردمحوری و لذت‌طلبی و حتی نوع نگاه این فرهنگ‌ها به مالکیت فردی و مادی انسان بر نحوه تنظیم قواعد بشری دخیل بوده است (وکیلی، ۱۳۸۴: ۳). در این فرهنگ ارزش‌های اخلاقی و دینی نمی‌تواند آزادی، تمایلات و شادکامی فردی را محدود کند و نگرش‌های تساوی‌طلبانه فمینیستی، که در پی کاهش اقتدار مردانه و افزایش استقلال زنان در خانواده هستند، غالب است.

خشونت در این اسناد هر گونه آسیب عمدی به جسم، سلامتی یا آزادی و تهدید، ایجاد مزاحمت برای فرد دیگر را در بر می‌گیرد. سازمان بهداشت جهانی، تعریف کاربردی «خشونت» را استفاده عمدی از نیروی بدنی، ارباب یا تهدید می‌داند که به آسیب بدنی، مرگ، آسیب روانی، نقص رشد و تکامل یا محرومیت یا احتمال قوی وقوع اینها بینجامد (www.who.int).

مسئله خشونت در ایران و اسناد بین‌الملل، از لحاظ ماهوی و مصداقی، در عین برخی شباهت‌ها، اغلب با هم تفاوت دارد. برخی خشونت‌های آشکار همانند آزار و تنبیه بدنی و جسمی به دلیل راحتی تشخیص‌علایمش در هر دو فرهنگ قبیح و رد شده است اما در خصوص خشونت‌های پنهانی، روانی، جنسی و اقتصادی مصداقیش بسیار متفاوت، و وابسته به فرهنگ و باورهای هر مرز و بوم است. مثلاً در برخی کشورهای غربی حرف‌نزدن و قهر شوهر با زن یا ارتباط جنسی بدون رضایت همسر مصداق خشونت دانسته شده، در حالی که معمولاً در کشورهای اسلامی این مسئله با مبانی فقهی سازگاری ندارد.

۲. قوانین مقابله با خشونت علیه زنان در ایران

وجود قوانین مدنی جزایی و حمایتی و لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که در حال تصویب در ایران است جای امیدواری دارد، اما کافی نیست. در ادامه، برخی از این قوانین را معرفی می‌کنیم:

۱. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران

۲. قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی

۳. قانون حمایت از خانواده

۴. قانون مجازات اسلامی

۵. قوانین مدنی مرتبط با حوزه خشونت خانگی علیه زنان

۶. لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

۳. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان

در مسئله خشونت علیه زنان اسناد بین‌المللی مختلفی مانند پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه رفع همه انواع خشونت علیه زنان

(۱۹۷۹)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، کنوانسیون سازمان ملل متحد و پروتکل‌های اختیاری آن (۲۰۰۰)، کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق افراد معلول (۲۰۰۶) و اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم (۲۰۰۲) به طور جزئی راهکارهای مقابله با خشونت خانگی علیه زنان را مطرح کرده‌اند، اما در کنوانسیون شورای اروپا برای مبارزه با قاچاق انسان (۲۰۰۵)، کنوانسیون شورای اروپا در زمینه حفاظت از کودکان علیه سوءاستفاده جنسی (۲۰۰۷) و کنوانسیون شورای اروپا در زمینه جلوگیری و مبارزه علیه خشونت خانگی در استانبول (۲۰۱۱) و توصیه‌نامه شورای اروپا به کمیته وزرا در زمینه حفاظت از زنان در برابر خشونت (۲۰۰۷) به طور خاص به مسئله خشونت خانگی پرداخته‌اند (www.unodc.org). هدف تمامی این کنوانسیون‌ها حفاظت از زنان در مقابل تمامی اشکال خشونت، پیشگیری، پیگرد قانونی و حذف خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، کمک به از بین بردن هر گونه تبعیض علیه زنان، طراحی چارچوب جامع، سیاست‌ها و اقدامات برای حفاظت از همه قربانیان خشونت علیه زنان و خشونت خانگی و کمک به آنها و گسترش همکاری بین‌المللی و انتخاب رویکردی یکپارچه در جهت حذف خشونت خانگی بوده است، اما با این حال هنوز شاهد گسترش پدیده خشونت خانگی هستیم.

۴. ابعاد مقایسه قوانین ملی و بین‌المللی در زمینه مقابله با خشونت خانگی

توجه به تحکیم بنیان خانواده در سیاست‌های کلان ایران و مجموعه قوانین مرتبط با مجازات زنا، لواط، قوادی و سقط جنین نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار در پیشگیری از خشونت و ناهنجاری‌ها است و با هر مسئله‌ای که بر ساختار و کارکردهای خانواده صدمه وارد کند به شدت مقابله کرده است. در اسناد بالادستی ایران، قانون‌گذاری شکلی کاملاً ارزشی داشته و پیرو دستورهای شرع مقدس است. به‌علاوه، بر حفظ بنیاد خانواده به عنوان مصلحتی کلان تأکید شده است. مثلاً در اصل ۱۰ و ۲۱ قانون اساسی، در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه سوم بند ۲۵، برنامه چهارم بند ۱۴،

برنامه پنجم توسعه بند ۱۲ بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن تأکید شده و در ماده ۲۳۰ برنامه ۵ توسعه به طور ویژه بر حمایت از خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوط، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و خشونت در خانواده تأکید شده است. در واقع، در اسناد و قوانین ایران توجه خاصی به حقوق زنان و حمایت از آنها در کنار لزوم حمایت از خانواده شده، و این دو مفاهیمی ملازم و تفکیک‌ناپذیرند، به خلاف اسناد و سیاست‌های بین‌المللی که صرفاً توجه به حقوق زنان و عوامل تضعیف‌کننده نهاد خانواده را مد نظر قرار داده است. اسناد بین‌المللی عمدتاً از سه طریق منجر به تحولات خانواده در ابعاد مختلف شده‌اند: ۱. تغییر در مفهوم نهاد خانواده و پذیرش اشکال جدید روابط خانوادگی در اسناد بین‌المللی با پذیرش مؤلفه‌هایی همچون تأیید هر نوع رابطه عاطفی به عنوان روابط اعضای خانواده، جنسیت‌زدایی از روابط همسران، آزادی افراد در روابط جنسی و انتقال آن به خارج از چارچوب خانواده که موجب تضعیف نهاد خانواده و گسترش خشونت در خانواده شده‌اند؛ ۲. تغییر در نقش‌های متداول اعضا و کارکرد آنها در نهاد خانواده، سیاست‌های حاکم بر اسناد بین‌المللی با تغییر کارکرد نهاد خانواده از قبیل پذیرش روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج که مبتنی بر گسترش آموزش مسائل جنسی در مدارس و به رسمیت شناختن سقط جنین و تقدس‌زدایی از خانواده و آزادی جنسی بوده و در حقیقت به گسترش تعارض و تضعیف خانواده و نیز خشونت علیه زنان در خانواده انجامیده است؛ ۳. تغییر در جایگاه نهاد خانواده و تضعیف اقتدار؛ یکی از تحولات اصلی در خانواده تضعیف تفکیک نقش‌های جنسیتی در خانواده به دنبال سیاست‌های تبعیض مثبت و افزایش اشتغال زنان بوده که به کاهش اقتدار مرد و کاهش اطاعت‌پذیری زن، کاهش تمایل به فرزندآوری، افزایش تعداد مهد کودک‌ها و افزایش تعارض و خشونت در خانواده، طلاق‌های توافقی و افزایش خانواده‌های تک‌والدی انجامیده است (کلهر و ارحامی، ۱۳۹۲: ۵۹).

الف. جرم‌انگاری خشونت خانگی در قوانین ایران و اسناد بین‌الملل و در نظر گرفتن مجازات‌های تأدیبی مناسب خانواده

تا چند سال قبل خشونت خانگی در نظام حقوقی ایران عنوان مجرمانه جداگانه‌ای نداشت و قانون‌گذار نیز تفاوتی میان جرم خشونت‌آمیزی که مرد علیه همسرش در محیط سربسته خانه دارد با سایر جرایم خشونت‌آمیز، و میان خشونت و ایراد ضرب و جرح قائل نبود. البته قانون پیشگیری از وقوع جرم، مصوب ۱۳۹۴، به طور کلی به پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و سیاست‌گذاری در این زمینه پرداخته، اما اشاره‌ای به نحوه پیشگیری از این جرم نکرده است (همان).

اگرچه برخی مقررات، همچون ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی به نوعی به پیش‌بینی خشونت خانگی اشاره دارد (والایی، ۱۳۸۲)، اخیراً قانون‌گذار در لایحه قانون جامع تأمین امنیت زنان در برابر خشونت اهمیت تعریف دقیق در این زمینه را مد نظر قرار داده و در ماده ۳، خشونت علیه زنان را تعریف می‌کند و ماده ۴ اقسام خشونت علیه زنان را برمی‌شمرد. مطابق با ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، اگر نشوز، سوء معاشرت و خشونت زوج، زوجه را دچار عسر و حرج کند، زوجه می‌تواند به حاکم شرع رجوع کرده، زوج را به انفاق و حسن معاشرت اجبار کند و اگر اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم طلاق داده شود. اما در قوانین کیفری موجود جز در برخی امور خاص، نظیر ترک انفاق، به عنوان قاعده کلی جرم‌انگاری نشده است. دلیل لزوم جرم‌انگاری خشونت‌های خانگی مرد علیه زن تهدیدشدن قانون خانواده و بلا تکلیفی زنان است. زیرا برخی از مردان غیر از خشونت‌های جسمی، انواع خشونت‌های روانی و پرهیز از معاشرت به معروف (از قبیل زجر دادن و رهاکردن زنان به حال خود یا طلاق‌ندادن آنها) را روا می‌دارند. مطابق یافته‌های حقوق جزا، ضرر دست دوم یا غیرمستقیم می‌تواند یکی از مبانی جرم‌انگاری دانسته شود و غیر از ضرر مستقیم پیامدهای اجتماعی منفی هم دارد.

به هر حال، صرف تصویب قوانین مناسب برای مقابله با خشونت خانگی، گامی مؤثر برای مقابله با آن است. ضروری است با در نظر داشتن وضعیت نسل‌های آینده، آموزش صحیح به آنان در تقبیح این خشونت‌ها به عنوان طبیعتی مردانه در باورهای مردسالارانه حاکم بر جامعه و جلب مشارکت‌های مدنی در این حوزه، به سیاست‌گذاری صحیح و مقوم در این موضوع توجه داشت. به نظر می‌رسد وضع قانونی شفاف و جداگانه متناسب با ارزش‌های دینی اخلاقی اسلامی و بافت جامعه ایرانی در زمینه خشونت خانگی، مخصوصاً خشونت‌های جنسی و روانی، نیاز باشد، اما باید در وضع مجازات‌های تأدیبی متناسب با جرم توجه داشت که در جهت تحکیم و گرمی خانواده باشد و بتوان با استفاده از اجتهاد پویا هماهنگ با تحولات بین‌المللی از دستاوردهای حقوقی بین‌المللی در این زمینه بهره برد.

ب. مقایسه قوانین کاربردی داخلی در زمینه خشونت خانگی و مقایسه با اسناد

بین‌المللی

پیش‌تر گفتیم که اکثر قوانین داخلی با اسناد بین‌المللی در اصول کرامت و ارزش انسانی و برابری انسان‌ها و حقوق زن و مرد برابرند، اما در نظر نگرفتن تفاوت‌های زن و مرد در تدوین حقوق نهایتاً به خشونت علیه زن می‌انجامد. زیرا زنان با داشتن نقش مهم مادری باید در مواقعی از برخی تکالیف اجتماعی و اقتصادی مبرا باشند تا بتوانند با طیب خاطر به تربیت فرزند مشغول شوند. این مسئله با توجه به جایگاه فردی خانوادگی و اجتماعی زنان در منشور حقوق زنان ایران مشخص شده و حقوق و مسئولیت‌های مشخصی برای زنان در دو روی یک سکه در نظر گرفته‌اند. اما مسئله مهم این است که با وجود کامل‌تر بودن منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در مقایسه با اسنادی همچون کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان لازم است ضمن اطلاع‌رسانی وسیع در سازمان ملل و الزام کشورها به پذیرش آن، ضمانت اجراهای قوی برای آن در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد فرهنگ‌سازی لازم برای اطلاع‌رسانی و آشنایی

زنان با این منشور حقوقی و تنظیم ضمانت اجرای قوی برای آن لازم باشد (خسروشاهی و یراقی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

در اسناد بین‌المللی، مثلاً در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، مواد ۵، ۱۳، ۱۵، ۱۶، به حقوق خانوادگی توجه شده و تساوی بین حقوق زن و مرد و تأکید بر حقوق فردی برابری جویانه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و به اهمیت خانواده و تحکیم آن بی‌مهری شده است. در حالی که منشور حقوق زنان در ایران سه قسمت مجزا با عناوین «حقوق و مسئولیت‌های دختران»، «حقوق و مسئولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده»، و «حقوق و مسئولیت‌های زنان در انحلال خانواده» دارد و محدوده اختیارات، تکالیف و نقش‌های زن و مرد مشخص شده و بر مبنای دستورهای الهی تقسیم وظایف شده و تقسیم نقش‌ها نظام سلسله‌مراتبی را می‌آفریند.

علاوه بر آن، قانون‌های برنامه توسعه ایران، مانند «قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» که پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، از جمله خشونت علیه زنان، را مد نظر قرار داده، از اقدامات فرهنگی مناسب همراه با تصویب و اجرای قانون است که گام‌هایی را در جهت فرهنگ‌سازی، اصلاح فرهنگ جامعه و نگرش مردم برداشته و می‌تواند همانند «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، خشونت علیه زنان را از منظر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بکاود. در هر دو الزام شده است تا مراکز پیش‌بینی و مهیا شود تا قربانیان خشونت خانگی از حمایت حقوقی و سرپناه رایگان بهره‌مند شوند. اما از حیث الزام و ضمانت اجرایی با هم تفاوت دارند. این میثاق، دول عضو را به تحقق و حمایت این حقوق متعهد می‌کند و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در این خصوص بر دول عضو تکلیف می‌کند، دولت‌ها را موظف می‌کند برنامه‌های آموزشی گسترده در جهت آشنایی هر چه بیشتر افراد از این حقوق ترتیب دهند (باقری، بی‌تا: ۱۳).

اصل ۲۱ قانون اساسی نیز به ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده اشاره داشته است. مطابق ماده ۵۱ منشور حقوق شهروندی، که با ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر همسو است، حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری، با رعایت قانون، ازدواج کنند و خانواده تشکیل دهند (<https://arakmu.ac.ir/legaloffice/fa/news>). حال آنکه، طبق اصل دهم قانون اساسی، چون خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل و تحکیم خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

ج. ترویج حکمیت در ایران و میانجی‌گری در عرصه بین‌الملل

امروزه برای حل تعارضات و اختلافات، استفاده از ابزارهای غیرقضایی همچون اخلاق و عرف با کرامت انسانی سازگارتر، و برای تبدیل ناهنجار به هنجار روشی باثبات‌تر است. علاوه بر مجازات‌های تأدیبی متناسب با میزان و نوع خشونت خانگی در خانواده، میانجی‌گری بین طرفین دعوا در دعاوی حقوقی و کیفری به عنوان راهکاری غیرقضایی برای حل و فصل دعاوی محل توجه قرار گرفته است. در جوامع مدرن نیز به اهمیت این راهکار پی برده‌اند و به عنوان ابزاری برای رفع مخاصمات مخصوصاً در زمینه حقوق بین‌الملل از آن استفاده می‌کنند. الگوی میانجی‌گری امروزه به عنوان یکی از رویکردهای حل مناقشه معرفی شده و برای آن فرایندها و تکنیک‌های ویژه‌ای ذکر کرده‌اند، که باید ضمن آماده‌سازی طرفین پیش از میانجی‌گری، از طریق گفت‌وگو و پیگیری به نتیجه مطلوب دست یابند و سپس نتایج حاصل‌شده از میانجی‌گیری را تثبیت کنند. البته آشنایی با ویژگی‌های فرهنگی و استفاده از سازوکارهای موجود در هر فرهنگ برای حل مناقشه، می‌تواند در این زمینه تعیین‌کننده باشد. این رویکرد، که تحت عناوین «مددکاری اجتماعی» در مجامع ملی و بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است می‌تواند در منازعات خانوادگی و جلوگیری از خشونت خانگی هم مؤثر باشد. به این

روش در آیه ۳۵ سوره نساء به عنوان راهکاری برای مقابله با مناقشات خانوادگی اشاره شده و مبتنی بر آن در قانون حمایت از خانواده تدابیر و شرایط حکمیت در خانواده بیان شده است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۳).

د. تحلیل نتایج حاصل از مقایسه نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌الملل

از منظر نظام حقوقی اسلام در خانواده، اصل و اساس همه قواعد بر مبنای احترام به کرامت انسانی افراد، اعم از زن و مرد، است، اما حفظ مصالح و منافع خانواده و تداوم و استمرار این نهاد مقدس و نیز تضمین برخورداری کلیه افراد، اعم از همسران و فرزندان، از حقوق بشر ایجاب می‌کند که هر یک از زن و مرد، به تناسب و بنا به اقتضای ویژگی‌های خلقتی‌شان از یک سلسله حقوق و تکالیف عادلانه و متفاوت با یکدیگر برخوردار باشند. بنابراین، صرف وجود سلسله‌مراتب در ایفای وظایف و تکالیف خانوادگی میان زنان و مردان و سپردن ریاست خانواده به مردان، که مستلزم پذیرش وظایف و تکالیف اقتصادی در قبال خانواده بوده است نه تنها مؤید وجود خشونت علیه زنان نیست، بلکه لازمه وجود چنین تفاوتی میان حقوق و تکالیف زنان و مردان در خانواده است. همچنین، باید توجه داشت در نگرش اسلامی مالکیت انسان فقط از آن خدا است و بدن امانتی الهی در اختیار بشر است. مبنای نگرش اسلامی در مسئله خشونت حفظ کرامت انسانی مبتنی بر تقسیم تکالیف بر اساس تفاوت‌های فطری زن و مرد در راستای اطاعت، عبادت الهی و همواره حاضر دانستن خود در محضر عدالت ربوبی است.

نگاه اسلام به خشونت، نگاهی بازدارنده و پیشگیرانه از تعدی بیشتر است و فلسفه برخی احکام و قوانین دینی برای مصونیت زنان و خانواده از خشونت‌های احتمالی است. بسیاری از احکامی که وضع شده، از جمله رعایت حجاب، باعث حفظ کرامت زن و جلوگیری از خشونت‌های جنسی و روانی علیه زن است. منع اسلام از روابط جنسی آزاد بین مرد و زن از جمله عوامل بازدارنده خشونت جنسی علیه زنان در جامعه

است، زیرا به دلیل خصوصیات جسمانی، روانی و عاطفی، بیشترین صدمه را زن یا دختر در این‌گونه روابط متحمل می‌شود. همچنین، در جهت حفظ و پایداری نظام خانواده و آرامش در درون خانواده مسئله تمکین عام و خاص زن از مرد در نظر گرفته شده تا در کنار عمل به توصیه‌های اخلاقی لازم برای مدیریت شایسته، این اهداف محقق شود. به عبارت دیگر، در دیدگاه اسلامی، برای ایجاد وحدت و صمیمیت واقعی میان زن و شوهر، به تفاوت‌های غریزی و طبیعی آنها توجه شده و بر اساس این تفاوت‌ها، برای هر یک حقوقی متناسب وضع شده است. از همین رو مسئولیت اقتصادی خانواده بر عهده مرد قرار داده شده و به واسطه همین تکلیف (و بما انفقوا من اموالهم؛ نساء: ۳۴) نقش قوامیت خانواده به او سپرده شده و تأکید فراوان بر رعایت حق و انصاف در انفاق مرد در خانواده به نحو احسن شده است.

اما در فرهنگ غرب در صددند این تفاوت‌ها را نادیده بگیرند و زنان به حقوقی مشابه مردان دست یابند. در اکثر کشورهای غربی مخارج زندگی بین زن و مرد تقسیم شده است. این مسئله در ظاهر با شعار برابری مطلق زن و مرد در تمامی زمینه‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی در جهت حمایت از حقوق زنان است، اما در واقع پاسخ‌گوی نیازهای روحی‌روانی زنان، از جمله داشتن تکیه‌گاهی مطمئن و ایمن به خصوص در زمان بیماری، حاملگی، زایمان و شیردهی نیست و آنها مجبورند همدوش مردان برای تأمین نیازهای اصلی‌شان بکوشند و به کارهایی که متناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی‌شان نباشد روی آورند و در معرض خطر فرسودگی جسمی و روحی ناشی از فشار کار باشند یا از مزایای فطری و غریزی همسری و مادری چشم‌پوشی کنند، چراکه از نظر فمینیست‌ها، تعریف زنان به عنوان مادر و همسر، آنها را در محدودیت قرار می‌دهد. از این رو قوانینی (از جمله آزادی سقط جنین) به منظور جلوگیری از این محدودیت در این جوامع وضع شده که در نهایت به عوارض جسمی، تنهایی‌های گسترده و خشونت روحی‌روانی علیه زنان می‌انجامد. به علاوه، مسلماً در

چنین محیطی برای تأمین امور اقتصادی و تقسیم آن بین زن و مرد نیاز به رعایت قواعد خشک حقوقی بیشتر می‌شود و اگر خانواده بر محور حقوق صرف منهای اخلاق بچرخد و هر یک از زوجین فقط بر اساس منافع شخصی خود، حقوقشان را استیفا کنند، خانواده به نهادی بی‌روح تبدیل می‌شود که بسیار خشک و شکننده است و با کمترین اختلافی متلاشی می‌شود.

از نظر اسلام، تقید و تعهد مرد به زندگی خانوادگی آثار روحی روانی و تربیتی بسیار بر حفظ خانواده و فرزندان دارد. از این رو در روایات مختلف بر رعایت تقوا، غضب بصر و حفظ حریم و عفت مرد تأکید بسیار شده است. امروزه یکی از خشونت‌های روانی علیه زنان احساس فقدان امنیت در زندگی خانوادگی است. نبودن حریم میان زن و مرد، آزادی در معاشرت‌های نادرست و بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد. غریزه جنسی، غریزه‌ای است که هر چه بیشتر به آن خوراک دهند شعله‌ورتر می‌شود. تقاضای نامحدود غرایز همیشه مقرون به نوعی از محرومیت و دست‌نیافتن به آرزوهای ناتمام غریزی است که به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌انجامد. از این رو دستورهای اسلام در زمینه حفظ حریم و عفت میان زن و مرد برای جلوگیری از خشونت‌های جسمی و جنسی و مهم‌تر از آن خشونت‌های روانی علیه زنان است. شیوع بی‌حجابی و برهنگی و تحریکات فراوان جنسی که به وسیله جرایم، نمایش‌ها، مجالس و پارتی‌ها انجام می‌شود و آزادی روابط بین زن و مرد، به طوری که هر وقت بخواهند به روابط جنسی نامشروع روی می‌آورند، باعث تزلزل در روابط خانوادگی می‌شود و برعکس آن اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌کند و موجب اتصال زوجین جوان به هم می‌شود.

از دیدگاه اسناد بین‌الملل، توسعه و برابری یکسان در همه جوانب بین زن و مرد، ملاک توسعه، رفاه اقتصادی و تنظیم قواعد بشری است و طبیعتاً منافع مادی و دنیوی حاصل آن

خواهد بود. از نظر آنان، خشونت خانگی علیه زنان، عمدتاً در نگرش‌های فرهنگی افراد مبنی بر برتر بودن جنس مرد بر زن ریشه داشته و بیشتر تلاش‌ها و اقدامات کشورهای غربی در طول دهه‌های اخیر در جهت تحقق تشابه و برابری ظاهری میان زنان و مردان در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌ها، از جمله خانواده، بوده است، در حالی که شواهد عینی و تجربیات موجود، حاکی از تحقق نیافتن حقوق زنان در کنار تمامی حقوق بشر است. با این حال، همه تأکید و تلاش برای تحقق تشابه و تساوی میان زنان و مردان، خصوصاً در عرصه خانواده، نه تنها نتوانسته است گرهی از مشکلات باز کند، بلکه خود سبب بروز برخی معضلات، از جمله نقض جدی حقوق کودکان و استتکاف مردان از وظایف خود و تک‌والدی و بی‌سرپرستی زنان شده، که این یکی از آثار نبرد فرسایشی زنان و مردان در خانواده برای تحقق برابری و تشابه کامل در کلیه حقوق و وظایف خانوادگی است.

نتیجه

با وجود دغدغه قوانین داخلی ایران و اسناد بین‌المللی راجع به مقوله خشونت خانگی و اهمیت دادن هر دو به آموزش و فرهنگ‌سازی بیشتر و تأکید بر آن، اما به دلیل وجود تفاوت در مبانی و نگرش‌های ایدئولوژیکی نمی‌توان راهکارهای یکسانی در زمینه رفع خشونت علیه زنان مطرح کرد. این تفاوت‌ها حتی محدوده اختیارات آزادی افراد و حدود دخالت دولت در حوزه خصوصی افراد را هم در بر می‌گیرد. از آنجایی که مصادیق خشونت خانگی در کشورهای مختلف متفاوت است مداخله دولت‌ها هم در این زمینه باید متناسب با فرهنگ و مصلحت‌های جامعه مد نظر صورت گیرد.

در فرهنگی که تفاوت‌های فطری زن و مرد نادیده گرفته شود و بر عدالت جنسیتی به معنای برابری زنان و مردان در خانواده تأکید شود، بنا بر اظهارات کمیته حقوق بشر، مردان از ایفای حقوق و تکالیف خانوادگی منفعل می‌شوند تا جایی که کمیته منع تبعیض علیه زنان یکی از معضلات جدی کشورهای غربی را، وجود مادران تنها و شانه خالی کردن پدران از ایفای وظایف خانوادگی می‌داند. این معضل باعث خشونت خانگی

نامحسوسی علیه خود زنان و بروز معضلات دیگری نظیر نقض حقوق کودکان در حریم خانوادگی می‌شود. همچنین، نگاه انسان‌محورانه غالب در اسناد بین‌المللی به مالکیت زن بر بدن خود اشاره دارد و با همین مبنا سقط جنین یا اتانازی در قوانینشان آزاد اعلام شده، اما در نگرش اسلامی مالکیت انسان فقط از آن خدا است و بدن امانتی الهی در اختیار بشر است. طبق این مبنا، سقط جنین و اتانازی در اسلام مجاز نیست. برای پیشگیری از خشونت در اسناد بین‌المللی بر مسئله برابری زن و مرد در همه ابعاد بیش از حد تأکید شده، در حالی که تقسیم تکالیف بر اساس تفاوت‌های فطری زن و مرد شاید به نظر موجب تبعیض علیه زن شود، اما رعایت کامل آن در کنار توصیه‌های اخلاقی در نهایت به نفع زن و خانواده است. در جوامع غربی، با وجود وضع قوانین سخت‌گیرانه و به رغم تأکیدات مکرر در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، سند پکن و سایر اعلامیه‌ها و مصوبات بین‌المللی، خشونت خانگی رو به افزایش است. از این رو به نظر می‌رسد همچون بسیاری از مسائل فکری غربی بازنگری در اصول و اندیشه‌های اخلاقی و قوانین مبتنی بر فطرت انسانی ضروری باشد. در اعلامیه‌های مکرر بین‌المللی کوشیده‌اند دردهای موجود در جامعه زنان تا حد امکان به صورت موقت درمان شود، اما صرف نظر از ارزیابی میزان تأثیر درمان‌های موقتی مطرح‌شده، باید یادآوری کرد که در حقوق ایران و اسلام به موضوع پیشگیری قبل از درمان بیشتر توجه شده است. مثلاً نقش رجوع به حکمین زوجین در رفع اختلافات بسیار اهمیت دارد. بدین منظور در ایران افراد مسن‌تر فامیل یا افراد در خور اعتماد محل به عنوان مرجعی قبل از دخالت پلیس شایسته توجه‌اند. البته اخیراً در اسناد بین‌المللی تشکل‌های میانجی‌گری برای رفع اختلاف زوجین راه افتاده است که هرچند سازوکاری متفاوت با ایران دارد، اما می‌توان به عنوان راهکاری مشترک در زمینه رفع اختلاف زوجین قبل از مراجعه به دادگاه از آن بهره برد.

نکته مهم دیگر، جداسازی خرافات و باورهای غلط از اصول و آموزه‌های اصیل دینی است، به طوری که در جوامع اسلامی به دلیل فقدان پای‌بندی صحیح به اصول

اخلاقی ذکر شده در آیات و روایات، باورها و سنت‌های غلط جاهلی غالب و مردسالار شاهد رواج خشونت خانگی هستیم. به عبارت دیگر، مجموعه قواعد اسلامی را باید به صورت بسته‌ای نظام‌مند و چندجانبه بر مبنای عدالت واقعی در ابعاد اخلاقی حقوقی در نظر گرفت، به گونه‌ای که از جنبه‌های مختلف برای سعادت بشر در زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی اش لحاظ شده و سعادت و کمال زن را از خانواده جدا نمی‌داند. از این رو در روابط زوجین قواعد حقوقی در کنار توصیه‌های اخلاقی ره‌گشا بوده است. مثلاً یکی از حقوق زوج، تمکین است. تمکین عام، به معنای این است که زن ریاست مرد بر خانواده را بپذیرد و تمکین خاص به معنای این است که زن همواره خود را برای استمتاع شوهر در اختیار او قرار دهد و استمتاع شوهر از خود را به هیچ‌زمان و مکان و کیفیت خاصی محدود نکند. این حق یکی از شروط اصلی عقد ازدواج است که آثار ازدواج بر آن مترتب می‌شود و منع زوجه از تمکین جنسی، مخالف ذات عقد محسوب می‌شود. در واقع، طبق اصل مبتنی بر حق و تکلیف، زوجه با قبول این شرط عقد ازدواج را می‌پذیرد، اما این به معنای اختیار مرد برای هر گونه خشونت جنسی و آزار و اذیت جسمی و روحی زن نیست (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۵).

در واقع، از نظر اسلام، تمکین به صورت مطلق و فقط مختص مرد نیست، بلکه زوجین باید نیازهای جنسی و اوضاع و احوال روانی، روحی و جسمانی یکدیگر را مد نظر قرار دهند. اما مسئله تجاوز زناشویی، که اخیراً به قوانین کشورهای غربی اضافه شده و ظاهراً در راستای مقابله با خشونت جنسی علیه زنان وضع شده، در واقع نشئت گرفته از مبانی آزادی نامحدود فردی و مالکیت فردی انسان است، به طوری که طبق این فرهنگ، تعهد و از خود گذشتگی کم‌رنگ شده است. همچنین، تقلیل تقدس مفهوم «خانواده» به «خانوار» که دربرگیرنده انواع همباشی‌ها است، احتمال خشونت‌های جنسی در این محیط را افزایش می‌دهد و در نبود پای‌بندی به اخلاق و دوری از ارزش‌های پایدار در درون خانواده در این جوامع وجود قواعد رسمی حقوقی اجتناب‌ناپذیر است.

متأسفانه، در عمل، شاهد اعمال خشونت بر زنان به هر بهانه‌ای، غیر از تمکین، هستیم که به نظر می‌رسد حقوقی کردن پاره‌ای از قواعد اخلاقی در این جوامع به عنوان راهکاری پیشنهادی جای تأمل و بررسی دارد. از این رو تصویب قوانین جامع و کاربردی با توجه به مقتضیات جامعه برای جلوگیری از تعدی و هرج و مرج در این جوامع اجتناب‌ناپذیر است. بدین منظور در حقوق ایران قوانین مدنی، جزایی و حمایتی مختلفی در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان، چه در اجتماع و چه در خانواده، در نظر گرفته شده، که برخی از آنها به دلیل فقدان نظارت و ضمانت اجرای لازم کاربردی نیستند، یا با نیازها و مقتضیات کنونی جامعه ما تطابق ندارند. یکی از این قوانین حمایتی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی است که عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان را با الهام از نظام حقوقی اسلام تبیین کرده و سندی بالادستی و کاربردی محسوب می‌شود که قابلیت ارائه کردن در مجامع بین‌المللی را دارد، اما با وجود تصویب این منشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. یکی دیگر از این قوانین، لایحه تأمین امنیت زنان است که به طور خاص به مسئله خشونت خانگی و مجازات‌های مرتبط با آن پرداخته و به نظر می‌رسد در صورت رفع نواقص آن، از جمله ابهامات در تعاریف و مصادیق خشونت در جامعه ایرانی و در نظر گرفتن مجازات‌های تأدیبی مناسب و در جهت پایداری نظام خانواده بتوان به عنوان مرجعی قانونی برای بازدارندگی از آن بهره برد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به الگوی مطلوبی در جهت رفع خشونت خانگی در ایران باید تمامی دستگاه‌های فرهنگی، اجرایی و قضایی به طور هماهنگ در جهت آگاه‌سازی، فرهنگ‌سازی، آموزش مهارت‌های زندگی و ... در این زمینه بکوشند. از این رو تصویب قوانین جامع و کاربردی با توجه به مقتضیات جامعه برای جلوگیری از تعدی و هرج و مرج در این جوامع اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

- قرآن کریم.
- «تشریح مصادیق حمایت‌های قانونی از زنان در ایران» (۱۳۹۷/۱۲/۲۶). در: <https://arakmu.ac.ir/legaloffice/fa/news/>
- باقری، نجمه (بی‌تا). «بهره‌مندی قربانیان خشونت خانگی از حمایت حقوقی»، در: *هفته‌نامه صوراسرافیل*، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۶/۶/۱۵، در: <http://sooreisrafil.com>.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۷). «فمینیسم و کارکردهای خانواده»، در: معرفت، ش ۱۳۱، ص ۸۷-۱۰۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). «بیانات رهبری در دیدار بانوان نخبه».
- خسروشاهی، قدرت‌الله؛ یراقی، سعیده (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در پرتو منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران»، در: *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۶۲، ص ۱۴۷-۱۷۶.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۶.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵). «زن و خانواده در بازخوانی سیره پیامبر»، در: *حورا*، ش ۲۰، ص ۱۹-۲۹.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹). *خشونت خانگی علیه زنان*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز نشر هاجر.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ تیک، محمدتقی (۱۳۸۹). *مقابله با خشونت خانگی علیه زنان*، قم: مرکز تحقیقات زنان و خانواده.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دارالمجتبی، ج ۱.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*، تهران: صدای معاصر.
- کلهر، سینا؛ ارحامی، آسیه (۱۳۹۲). «ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه خانواده»، در: *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۹، ص ۵۹-۱۰۴.
- مرتوس، جولی؛ فلاورز، نانسو؛ دات، ملیکا (۱۳۸۲). *آموزش حقوق انسانی زنان و دختران: اقدام محلی*، تغییر جهانی، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: دنیای مادر.
- مشیری، مهشید (۱۳۸۸). *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: سروش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی*، تهران: تامن.
- مکوئیگ، روناق (۱۳۹۴). *قانون حقوق بشر بین‌الملل و خشونت خانگی*، ترجمه: مژگان امراللهی بیوکی، تهران: جامعه‌شناسان.

۳۰ / مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، سال چهارم، شماره هشتم

نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۹). *نفی خشونت علیه زنان از دیدگاه علم و دین*، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

والایی، حمید (۱۳۸۲). «نگاهی به حقوق زنان در قوانین ایران با مطالعه تطبیقی این حقوق در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین کشورهای دیگر»، در: اولین سمینار بزرگ‌داشت روز جهانی زن، تبریز: بی‌نا.

وکیلی، هادی (۱۳۸۴). «نقد مبانی اومانستی حقوق بشر غربی»، در: *کتاب نقد*، ش ۳۶، ص ۱۲۹-۱۵۴.
هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۴). «نقد داوری در دعاوی خانوادگی: از مقررات تا اجرا»، در: *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۷، ص ۷۶-۱۱۲.

www.unodc.org

www.who.int

References

The Holy Quran.

Amid, Hasan. 2010. *Farhang Amid (Amid Dictionary)*, Tehran: Contemporary Voice.

Bagheri, Najmeh. n.d. "Bahremandi Ghorbaniyan Khoshunat Khanegi az Hemayat Hoghugi (Access to Legal Protection for Victims of Domestic Violence)", in: Sur Esrafil Weekly, Reference Date: 2017/09/06, in: <http://sooreisrafil.com>.

Cheraghi Kutiyani, Ismail. 2008. "Feminism wa Karkard-hay Khanewadeh (Feminism and Family Functions)", in: *Knowledge*, no. 131, pp. 87-108. [in Farsi]

Dehkhoda, Ali Akbar. 1998. *Loghatnameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*, Tehran: University of Tehran, vol. 6. [in Farsi]

Hedayatniya, Farajollah. 2005. "Naghd Dawari dar Daawi Khanewadegi: az Mogharrarat ta Ejra (Criticism of Arbitration in Family Litigation: From Regulation to Enforcement)", in: *Strategic Studies of Women*, no. 27, pp. 76-112. [in Farsi]

Kalhor, Sina; Erhami, Asiyeh. 2013. "Arzyabi Tatbighi Siyasat-hay Jomhuri Islami Iran ba Rawand-hay Jahani dar Hozeh Khanewadeh (Comparative Study of the Policies of the Islamic Republic of Iran with Global Trends in the Field of Family)", in: *Strategic Studies of Women*, no. 59, pp. 59-104. [in Farsi]

Khamenei, Seyyed Ali. 2016. "Bayanat Rahbari dar Didar Banowan Nokhbeh (Leader's Speech at the Meeting of Elite Women)".

Khosroshahi, Ghodratollah; Yaraghi, Saideh. 2013. "Barresi Enteghadi Konwansiyon Raf Harguneh Tabiz alayh Zanan dar Parto Manshur Hoghugh wa Masuliyat-hay Zanan dar Nezam Jomhuri Islami Iran (Critical review of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women in the Light of the Charter of Women's Rights and Responsibilities in the Islamic Republic of Iran)", in: *Strategic Studies of Women*, no. 62, pp. 147-176. [in Farsi]

McQuigg, Ronagh. 2015. *Ghanun Hoghugh Bashar Beyn al-Melal wa Khoshunat Khanegi (International Human Rights Law and Domestic Violence)*, Translated by Mojgan Amrollahi Biyuki, Tehran: Sociologists. [in Farsi]

Mertus, Julie; Flowers, Nancy; Dutt, Mallika. 2003. *Amuzesh Hoghugh Ensani Zanan wa Dokhtaran: Eghdam Mahalli, Taghir Jahani (Learning about the Human Rights of Women and Girls: Local Action, Global Change)*, Translated by Fariborz Majidi, Tehran: Mother's World. [in Farsi]

Moin, Mohammad. 2010. *Farhang Farsi (Persian Dictionary)*, Tehran: Thamen. [in Farsi]

- Moshiri, Mahshid. 2009. *Farhang Zaban Farsi (Persian Language Dictionary)*, Tehran: Soroush. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 2016. *Nezam Hoghugh Zan dar Islam (The System of Women's Rights in Islam)*, Tehran: Sadra. [in Farsi]
- Nur Mohammadi, Gholam Reza. 2010. *Nafy Khoshunat alayh Zanan az Didgah Elm wa Din (Denial of Violence against Women from the Perspective of Science and Religion)*, Tehran: Presidential Center for Women and Family Affairs. [in Farsi]
- Salarifar, Mohammad Reza. 2010. *Khoshunat Khanegi alayh Zanan (Domestic Violence against Women)*, Qom: Office of Women Studies and Research, Hajar Publishing Center. [in Farsi]
- Salarifar, Mohammad Reza; Tabik, Mohammad Taghi. 2010. *Moghabeleh ba Khoshunat Khanegi alayh Zanan (Combating Domestic Violence against Women)*, Qom: Women and Family Research Center. [in Farsi]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hosayn. 2001. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Qom: Al-Mojtaba House, vol. 1. [in Arabic]
- "Tashrih Masadigh Hemayat-hay Ghanuni az Zanan dar Iran (Description of Examples of Legal Protections for Women in Iran)" 2019/03/17, in: <https://arakmu.ac.ir/legaloffice/fa/news/>
- Wakili, Hadi. 2005. "Naghd Mabani Omanisti Hoghugh Bashar Gharbi (Critique of the Humanist Principles of Western Human Rights)", in: *Book Review*, no. 36, pp. 129-154. [in Farsi]
- Walayi, Hamid. 2003. "Negahi be Hoghugh Zanan dar Ghawanin Iran ba Motale Tatbighi In Hoghugh dar Konwansiyon-hay Beyn al-Melali wa Ghawanin Keshwar-hay Digar (A Look at Women's Rights in Iranian Law with a Comparative Study of These Rights in International Conventions and the Laws of Other Countries)", in: *The First Seminar in Honor of International Women's Day*, Tabriz: n.p. [in Farsi]
- Zibayinejad, Mohammad Reza. 2006. "Zan wa Khanewadeh dar Bazkhani Sireh Payambar (Woman and family in reviewing the life of the Prophet)", in: *Hawra*, no. 20, pp. 19-29. [in Farsi]

www.unodc.org

www.who.int